

صلاحیت دیوان کیفری بین الملل در زمینه بزه بهره‌وری از سلاح شیمیایی

دکتر محمد یکرنگی ✉

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

چکیده:

شناسایی استفاده از بمب شیمیایی به عنوان یک بزه در حقوق بین الملل عرفی سابقه‌ای دیرین دارد. فارغ از راهکارهای دیپلماتیک و نظامی، یکی از راه‌های مقابله با هر جرم بین‌المللی از جمله بهره‌وری از سلاح شیمیایی، محاکمه مجرمان در دیوان کیفری بین‌الملل می‌باشد که امروزه تنها مرجع رسیدگی با صلاحیت کیفری در سطح بین‌المللی است. با این حال، با توجه به عدم تصریح به بمب شیمیایی در اساسنامه دیوان، در بین حقوق دانان این اختلاف وجود دارد که آیا این دیوان صلاحیت رسیدگی به جرم استفاده از سلاح شیمیایی را دارا می‌باشد یا خیر. تفسیر مضیق و استناد به اسناد پیش نویس اساسنامه دلایل عمده حقوقدانان، در عدم صلاحیت دیوان می‌باشد. با این حال، نوشتار حاضر با ترکیب اصول تفسیری حقوق کیفری مانند تفسیر مضیق و عدم توسل به قیاس که در اساسنامه دیوان به آن تصریح شده است و اصول تفسیر معاهدات در حقوق بین‌الملل که در کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹ ذکر گردیده از جمله تفسیر لفظی و غایی، در نهایت نتیجه‌گیری می‌نماید که به رغم عدم تصریح این امر در اساسنامه دیوان، این مرجع دارای صلاحیت رسیدگی به این جرم می‌باشد و این برداشت، با تفسیر مضیق و یا منع تفسیر موسع و استفاده از قیاس در تفسیر متون حقوق کیفری تعارضی ندارد.

کلید واژه‌ها: سلاح شیمیایی، سلاح سمی، دیوان کیفری بین الملل، صلاحیت، نزاع مسلحانه.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲
تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵

✉ پست الکترونیکی نویسنده مسئول:
yekrangi@ut.ac.ir

استفاده و حمله به اشخاص غیر نظامی با استفاده از سلاح‌های شیمیایی چندان آزارنده و شنیع است که هیچ انسان متمدن با وجدان نمی‌تواند در مقابل آن خاموش نشیند و آن را محکوم ننماید. نگاهی به شمار استفاده از این بمب‌ها در تنها چند دهه اخیر و شمار کشتگان آن نشانه از وخامت این امر دارد. استفاده از ۱۱۳۰۰۰ تن مواد شیمیایی در جنگ جهانی اول باعث حدود یک میلیون و سیصد هزار صدمه شد، (Robinson, 1971: 128) ۲۵۲ نوبت بهره‌وری عراق از این سلاح علیه ایران در جنگ هشت ساله (Abtahi, 2005) (۱۶۴۱) که تنها در یک مورد حمله به سردشت در ۱۳۶۶ چهار هزار کشته و زخمی بر جای گذارد (اردلان، ۱۳۸۹: ۹۹۵)، استفاده عراق از سلاح شیمیایی در ۱۶ مارس ۱۹۸۸ در حلبچه که باعث مرگ ۳۵۰۰ تا ۵۰۰۰ کرد شد (Shelton, 2005: 636) استفاده پرتغال از این بمب علیه گینه بیسائو، موزامبیک و آنگولا که سازمان ملل در سال ۱۹۷۱ آن را تقبیح نمود (Haye, 2008: 70) و تهدید به استفاده مجدد عراق از این سلاح در جنگ خلیج فارس همگی نشان از گستردگی و وخامت استفاده از این سلاح دارد.^۳

با وجود اجماع جهانی در تقبیح استفاده از این سلاح‌ها، به ویژه نسبت به غیر نظامیان، بار دیگر در قرن بیست و یک جامعه بین‌الملل با کشتار فجیع انسان‌های غیر نظامی، با استفاده از این سلاح مواجه شد. روزهای انتهایی آگوست سال ۲۰۱۳ با انتشار خبر استفاده از بمب‌های شیمیایی در درگیری‌های سوریه، بار دیگر جامعه بین‌الملل به این اندیشه فرو رفت که آیا ساز و کارهای پیش‌بینی شده برای مقابله با این جرم کفایت می‌کند. این ساز و کارها را می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی به سه دسته ساز و کارهای دیپلماتیک، نظامی و قضایی تقسیم نمود. راهکارهای دیپلماتیک مانند مساعی جمیله و میانجیگری که در زمره حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات قرار می‌گیرد، بر مذاکره و مراوده تاکید دارند. در صورت عدم کارایی این راهکار، اقدامات نظامی انجام می‌شود.

۱. در بین سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۸ نه گزارش توسط افراد متخصص که توسط دبیر کل سازمان ملل منصوب شده بودند انتشار یافت که همگی استفاده عراق از بمب شیمیایی علیه ایران را تایید نمودند. (Abtahi, 2005); "The Islamic Republic of Iran and the ICC", Journal of International Criminal Justice, vol 3, p. 641. به علاوه شورای امنیت در قطعنامه‌های ۵۸۲، ۵۹۸، ۶۱۲، ۶۲۰

استفاده از این سلاح را در جنگ ایران و عراق محکوم نمود.

2. See General Assembly resolution 2795 UN.Doc.A/8549 (1971) paras. 4 and 6, and resolution 2707 UN.Doc.A/8187 (1970) para. 9.

۳. موارد دیگر نیز مانند استفاده از این سلاح توسط روسیه در چچن، سودان علیه گروه مخالف و ترکیه در جنوب شرقی کشور گزارش شده که تمامی توسط دولت‌های این کشورها انکار شد.

اقدامات نظامی به طور کلی، می تواند از دو طریق صورت گیرد: مورد نخست، از طریق مجوز شورای امنیت که بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد اقدام می شود و این شورا با تصویب قطعنامه اجازه مداخله نظامی را در وضعیت خاص اعطا نماید. اگر چه این موارد نادر بوده لیکن مثال آن را می توان قطعنامه شماره ۱۹۷۳ مصوب ۲۰۱۱ شورای امنیت در خصوص لیبی دانست که به موجب بند ۶ آن، ایجاد منطقه پرواز ممنوع را تصویب نمود. مورد دوم، مداخلات موسوم به مداخلات بشر دوستانه است که فارغ از مشروعیت و یا عدم مشروعیت آن توسط برخی کشورها به نام حمایت از حقوق بشر^۱ در یک کشور انجام می- پذیرد. از جمله این موارد می توان به اقدامات آمریکا در هائیتی، سومالیو پاناما اشاره نمود که این امور را در راستای حمایت از حقوق بشر دوستانه توجیه می نمود (فنگلان، ۱۳۸۹: ۴-۶۹۳). این اقدامات مورد انتقاد و چالش های بسیاری در حقوق بین الملل می باشد. لیکن، پرسش اساسی آن است که هریک از طرق فوق پیش گرفته شود و با فرض خاتمه وضعیت ناگواری که در آن جرم بین المللی رخ داده، با توجه به بزه دیده شدن تعداد زیادی از افراد و کشته شدن افراد زیادی در این حملات شیمیایی، چه مرجع قضایی بین المللی برای رسیدگی به این وضعیت و تعیین و کیفر مجرمان وجود دارد. به همین دلیل بحث از رسیدگی قضایی به وضعیت استفاده از بمب شیمیایی ضروری می نماید. به عبارت دیگر، به موازات این اقدامات نظامی و دیپلماتیک، راهکارهای قضایی نیز وجود دارد که به عکس اقدامات نظامی مورد چالش جدی نمی باشد.

امروزه تنها نهاد کیفری بین الملل دموکراتیک در سطح جهان دیوان کیفری بین الملل می باشد. با ایجاد این دیوان در سالهای نخستین قرن حاضر و رشد و بالندگی هر روزه آن، امید دسترسی به عدالت را در سطح بین المللی زنده شد. این دیوان که رسماً با تصویب اساسنامه آن توسط ۶۰ کشور در اول جولای سال ۲۰۰۲ پا به عرصه حقوق بین الملل گذارد. تا امروز ۱۲۲ کشور به این اساسنامه ملحق شده و موافقت خود را بر تعقیب مجرمین بین الملل در یک نهاد بی طرف قضایی پذیرفته اند. مقایسه فلسفه ایجاد این دیوان با دستگاه قضایی داخلی بی وجه نمی باشد. در حوزه داخلی، دولت ها در جوامع دموکرات بر اساس قرارداد اجتماعی به وجود آمدند. اشخاص که پیش از این مستقل بوده با ورود به قرارداد اجتماعی طبق نظر لاک سه داعیه عمده داشتند: اول، قانونی باشد که بر همه یکسان حکومت نماید، قاضی و دستگاه قضایی مستقل باشد که بر اساس قانون حکم نماید و سوم،

۱. در گفتمان جدید حقوق بین الملل از این مداخلات به «مسئولیت حمایت» (Responsibility to Protect (RoP)) یاد می کنند.

دستگاه اجرایی قوی به وجود آید که احکام را اجرا نموده و نظم را برقرار نماید (لاک، ۱۳۸۸: ۱۷۶). در حوزه بین الملل نیز ایجاد دیوان کیفری بین الملل، بر پایه اندیشه ایجاد نهادی مستقل از امور سیاسی بود که بتواند مستقل از هر امری در خصوص بزهکاری یا بی‌گناهی افراد تصمیم گیرد. به جهت این استقلال، دیوان هیچ وابستگی مالی یا اداری یا قضایی به شورای امنیت و یا هر نهاد سازمان ملل نداشته و حتی در زمان امکان ارجاع وضعیت توسط شورای امنیت برخی مخالفت خود را به جهت نقض استقلال دیوان بیان نمودند و آن را تبعیت عدالت از سیاست دانسته‌اند (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۵۸۸).

با این حال، نخستین شرطی که دیوان می‌بایست در راستای ورود به هر وضعیت^۱ احراز نماید مساله صلاحیت می‌باشد. طبق مواد ۱۵ و ۵۳ اساسنامه دادستان تنها زمانی می‌تواند وارد تحقیقات شود که دیوان دارای صلاحیت باشد. بنابراین، پرسش اصلی نوشتار حاضر آن است که آیا دیوان کیفری بین‌الملل صلاحیت رسیدگی به استفاده از بمب‌های شیمیایی را در درگیری مسلحانه دارا می‌باشد؟ بررسی این امر از آن جهت دارای اهمیت می‌باشد که سلاح شیمیایی نسبت به سلاح اتمی در دسترس تعداد بیشتر کشورها است و این امر خطر استفاده از این سلاح را افزایش می‌دهد؛ بنابراین، از این منظر مناسب است پس از ایجاد دیوان کیفری بین‌الملل و پیش از استفاده گسترده از این سلاح‌ها در قرن بیست و یکم، صلاحیت این دیوان در خصوص یکی از بحث برانگیزترین موضوعات اساسنامه، بررسی شود. چالش اصلی آن است که در اساسنامه این دیوان ذکری از سلاح‌های شیمیایی به میان نیامده است و تنها در ماده (ج) (۲) ۸ بر جرم بودن استفاده از سم و یا سلاح‌های سمی تصریح نموده است. لذا، این بند در کنار مواد (۱) ۲۲ و ۲۳ اساسنامه که اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها را مطرح نموده و بند ۲ ماده ۲۲ که تصریح نموده است تعریف جرم باید به طور مضیق تفسیر شود و نباید به وسیله قیاس گسترش یابد، صلاحیت این دیوان را در هاله‌ای از ابهام فرو برده که آیا به واقع این دیوان می‌تواند وارد این وضعیت شود. در این راستا، برخی معتقد به صلاحیت دیوان در این خصوص بوده (Aksar, 2004: 189) و برخی با این امر مخالف می‌باشند (McGol, Rowe & Donnelly, 2004: 359; Schabas, 2011: 138).

در راستای پاسخ به این پرسش نوشتار حاضر ابتدا به بررسی موضع حقوق بین‌الملل در به کارگیری سلاح‌های شیمیایی پرداخته (بند الف) و سپس به بررسی پیش شرط‌های صلاحیت (بند ب) می‌پردازد.

1. Situation

الف) موضع حقوق بین الملل در قبال به‌کارگیری سلاح شیمیایی

حقوق بشر دوستانه که حاکم بر جرایم جنگی و قواعد حاکم بر جنگ می‌باشد، از قدیمی‌ترین گرایش‌های حقوق بین‌الملل است. بی‌دلیل نیست اگر بیان شود حقوق بین‌الملل ریشه در جنگ میان دولت‌ها داشته و هر قاعده آن جهت انتظام روابط بین دول می‌باشد که یکی از حالات این رابطه جنگ است. به همین جهت، سالها پیش از معرفی و ظهور جرایمی چون بزه‌های علیه بشریت و نسل‌کشی که در میانه قرن بیستم ایجاد شدند، قواعدی بین دول جهت تنظیم اقدانات جنگی ایجاد شد. مهمترین این ضوابط در کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی به آن در ۱۹۷۷ بیان شده است.^۱ در دادگاه‌های نورمبرگ، توکیو و دادگاه‌های کیفری بین‌الملل برای یوگسلاوی سابق و روندا نیز ماده‌ای به جرایم جنگی اختصاص داشته است.^۲

از طرفی، استفاده از سلاح‌های شیمیایی از مواردی می‌باشد که در کنوانسیون‌ها و معاهدات مختلف بر ممنوعیت آن تاکید شده است. این ممنوعیت از کهن‌ترین ضوابط در جنگ‌ها می‌باشد، ریشه در سالهای پایانی قرون وسطی دارد (Fleck, 2009:128). با این حال به طور مجدانه با توجه به فجایعی که این سلاح در اثنای جنگ جهانی اول ایجاد نمود در سال ۱۹۲۵ پروتکلی تحت عنوان «پروتکل ممنوعیت استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی یا دیگر گازها و شیوه‌های باکتریایی جنگی» تصویب شد. این پروتکل نه تنها هیچ اشاره مستقیمی به سلاح‌های شیمیایی نکرده بود، بلکه توسعه و دارا شدن سلاح‌های سمی و باکتریایی را نیز منع ننموده بود. در سال ۱۹۷۲ برای نخستین بار با تصویب «کنوانسیون ممنوعیت توسعه، تولید و ذخیره سلاح‌های بیولوژی و سمی و انهدام آنها» به سلاح‌های شیمیایی در مقدمه و مواد ۹ و ۱۲ آن اشاره شد. نهایتاً در ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳ کنوانسیون خاصی در خصوص سلاح‌های شیمیایی تحت عنوان «کنوانسیون ممنوعیت توسعه، تولید و ذخیره سلاح‌های شیمیایی و انهدام آنها» موسوم به کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی^۳ تصویب

۱. اسناد دیگر نیز در زمینه حقوق بشر دوستانه عبارتند از: کنوانسیون بهبود وضعیت مجروحان نیروهای مسلح در میدان نبرد ۱۸۶۴، کنوانسیون جهت تطبیق مواد کنوانسیون ژنو ۱۸۶۴ بر جنگ‌های دیایی ۱۸۹۹، کنوانسیون بهبود وضعیت مجروحان و بیماران نیروهای مسلح در میدان نبرد ۱۹۰۶، کنوانسیون در مورد محدودیت‌های خاص ناظر بر اعمال حق دستگیری در جنگ دریایی ۱۹۰۷، کنوانسیون رفتار با اسرای جنگی ۱۹۲۹.

۲. ماده شش اساسنامه دادگاه نورمبرگ، مواد ۲ و ۳ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌الملل برای یوگسلاوی سابق و ماده ۴ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌الملل برای رواندا.

3. Chemical Weapons Convention (CWC)(1993)

گشت.^۱ این کنوانسیون بر چهار محور استوار است: نخست، عدم اشاعه تسلیحات نظامی (ماده ۱) دوم، انهدام تسلیحات موجود و تأسیسات تولید سلاح شیمیایی و نظارت و بازرسی این مراحل (ماده ۳، ۴ و ۵) سوم، کمک و حمایت در برابر حمله و یا تهدید به حمله توسط مواد شیمیایی (ماده ۱۰) و چهارم، همکاری بین المللی در زمینه استفاده صلح آمیز از دانش و صنعت شیمیایی (ماده ۱۱) (اردلان، ۱۳۸۹: ۸-۱۰۰۷). این کنوانسیون که در سال ۱۳۷۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، در ماده دو سلاح شیمیایی را تعریف نموده است: «سلاح شیمیایی جمعاً و یا به تنهایی عبارتند از:

الف) مواد شیمیایی سمی و پیش‌سازهای آنها، به‌استثنا مواردی که برای اهداف ممنوع نشده به موجب این کنوانسیون در نظر گرفته شده مادامی‌که انواع و مقادیر آنها با چنین اهدافی مطابقت داشته باشند، ب) مهمات و ادوات که اختصاصاً جهت کشتار یا دیگر صدمات از طریق خواص سمی مواد شیمیایی سمی که در قسمت (الف) مشخص گردیده طراحی گردیده‌اند در نتیجه کاربرد این مهمات و ادوات رها می‌شوند، پ) هر نوع تجهیزاتی که اختصاصاً برای استفاده مستقیم در ارتباط با کاربرد مهمات و ادوات مشخص شده در قسمت (ب) طراحی گردیده‌اند.»

سپس پاراگراف دوم ماده ۲ این کنوانسیون در تعریف مواد شیمیایی سمی بیان می‌دارد: «هر نوع ماده شیمیایی که از طریق کنش شیمیایی در روند زندگی بتواند موجب مرگ، ناتوانی موقت یا آسیب دایم انسانها یا حیوانات گردد. این امر شامل تمام مواد شیمیایی مزبور است، بدون در نظر گرفتن منشأ و روش تولید آنها و بدون در نظر گرفتن اینکه آیا در تأسیسات، در مهمات یا در جای دیگری تولید می‌گردند.» و بند سوم نیز در تعریف پیش‌ساز بیان نموده است: «هر نوع معرف شیمیایی که در هر مرحله از تولید ماده شیمیایی سمی به هر روشی به کار برود. این شامل هرگونه جزء کلیدی یک سیستم دوگانه یا چند جزئی شیمیایی می‌شود.»

این کنوانسیون در ماده یک تعهدی را بر کشورهای عضو بار می‌نماید که تحت «هیچ شرایطی» از این سلاح استفاده ننمایند. این کنوانسیون توسط ۱۹۰ کشور امضا و به تصویب ۱۶۴ کشور رسیده است.^۲ به همین دلیل «قانون منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی در بسیاری از کشورها وضع شده است. بیانیه‌های بی‌شماری از سوی کشورها و از تمام نقاط جهان مبنی بر ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی، به موجب مقررات عرفی حقوق بین

۱. ایران در سال ۱۹۹۷ به این کنوانسیون پیوسته است.

۲. این آمار مربوط به سپتامبر ۲۰۱۳ می‌باشد.

الملل وجود دارد.» (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۷۸: ۳۹۶)^۱ ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های شیمیایی در حقوق بین‌الملل به حدی شدید است که مجمع عمومی در قطعنامه 2603A (XXIV) مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۹ اعلام نمود استفاده از وسایل شیمیایی جنگی که دارای تاثیر مستقیم سمی بر گیاهان باشد نیز ممنوع می‌باشد زیرا بر خلاف قواعد به رسمیت شناخته شده حقوق بین‌الملل می‌باشد. علت این ممنوعیت نیز آن است که تاثیرات استفاده از سلاح شیمیایی قابل کنترل نمی‌باشد (Dolzar, 1982: 85). لذا، در صورتی که حقوق بین‌الملل عرفی را رویه منسجم و کلی‌ای دانست که دولت‌ها خود را به طور عینی یا ذهنی ملزم به پیروی از آن می‌دانند، به نظر می‌رسد می‌توان مقررات منع تولید و استفاده و گسترش سلاح‌های شیمیایی را جزئی از حقوق بین‌الملل عرفی دانست. (Fleck, op.cit: 171) به علاوه ممنوعیت استفاده از سلاح‌های سمی و شیمیایی امروزه از فحوای پروکل های اول و دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو برداشت می‌شود (Ibid: 171). در راستای تایید این امر می‌توان به رأی دادگاه یوگسلاوی سابق اشاره نمود که در آن به صراحت بیان شده است: «یک اجماع جهانی بدون خدشه در جامعه بین‌الملل در خصوص این اصل به وجود آمده است که استفاده از سلاح‌های [شیمیایی] در درگیری‌های داخلی ممنوع می‌باشد.»^۲ به طریق اولی در صورت حصول اجماع جهانی در ممنوعیت بکارگیری این سلاح در نزاع‌های مسلحانه غیر بین‌المللی، این امر در نزاع‌های مسلحانه بین‌المللی ممنوع می‌باشد. با توجه به موارد فوق، می‌توان به یقین ممنوعیت به کارگیری سلاح شیمیایی را ناشی از یک اراده اجماعی بین‌المللی و عرف بین‌الملل دانست.

ب) پیش شرط‌های اعمال صلاحیت دیوان در زمینه بهره‌وری از سلاح شیمیایی: احراز صلاحیت در هر رسیدگی کیفری از موارد اولیه ضروری می‌باشد. به عبارتی، هر مرجع کیفری پیش از ورود به ماهیت هر قضیه، امور شکلی از جمله صلاحیت را مورد بررسی قرار می‌دهد. رسیدگی دیوان کیفری بین‌الملل نیز از این امر مستثنی نمی‌باشد. با این حال نوعی پیوستگی میان مسایل ماهوی و شکلی دیوان در خصوص صلاحیت وجود دارد. به طوری که نظر در باب صلاحیت مستلزم بررسی ماهوی برخی شرایط تحقق جرم می‌باشد. برای مثال،

۱. برای دیدن موضع کشورها در این زمینه رک:

Turtle Schulte, N(ed)., *Dismantlement and Destruction of Chemical, Nuclear and Conventional Weapons*, Springer, 1997.

همچنین در کتاب زیر نیز قانون پنجاه و هفت کشور که این سلاح را ممنوع و جرم انگاری نموده اند بیان شده است:

Henckaerts, J. M, & Doswald-Beck, L.(Eds), *Customary International Humanitarian Law*, Vol 1 & 2, Cambridge, 2005, pp. 1668- 1676.

2. ICTY, Tadic case, Interlocutory Appeal, 2 October 1995, para. 124.

قصد از بین بردن گروه تحت حمایت و یا در راستای اهداف یک گروه یا دولت بودن به ترتیب از شرایط نسل کشی و جرایم علیه بشریت است. در همین راستا، ارتکاب رفتارهای ماده ۸ (جرایم جنگی) زمانی جرم محسوب می‌شود که در خلال یک درگیری مسلحانه صورت گیرد. از طرفی رفتارهای مجرمانه در نزاع‌های مسلحانه داخلی و بین‌المللی متفاوت می‌باشد. بر این اساس، برای احراز صلاحیت دیوان در این زمینه دو امر نیاز به احراز دارد نخست، آیا استفاده از بمب شیمیایی در شمار رفتارهای مجرمانه مذکور در ماده ۸ اساسنامه می‌باشد (بند ۱) و دوم، آیا این رفتار با توجه به ماهیت بین‌المللی و غیر بین‌المللی درگیری جرم انگاری شده است. (بند ۲)

۱. ممنوعیت به کارگیری سلاح شیمیایی در اساسنامه

سال‌ها پیش از تشکیل کنفرانس رم، جامعه حقوقی و سازمان ملل با توجه ضرورت ایجاد یک دیوان کیفری بین‌المللی را احساس نمودند. به همین جهت سه سال پیش از کنفرانس رم، مجمع عمومی در سال ۱۹۹۴ کمیته‌ای را با نام «کمیته مقدماتی تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی»^۱ مسوول بررسی و تهیه پیش‌نویسی به عنوان اساسنامه برای ارائه به کنفرانس دیپلماتیک رم نمود. در این کنفرانس یکی از مواردی که بسیار چالش برانگیز شده و بر آن بحث‌ها و مخالفت‌های عمده صورت گرفت بند ۱۷ ماده (ج) (۲) اساسنامه بود. این بند در پیش‌نویس ابتدا شامل سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیک و اتمی نیز می‌شد. شمول این بند باعث مخالفت‌های بسیاری به ویژه توسط کشورهای دارای فن آوری اتمی شد. این کشورها، مخالفت خود را بر این پایه استوار نمودند که ممنوعیت بمب اتمی هنوز به عنوان یک قاعده مورد قبول اجماع جامعه جهانی در نیامده است. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در یک نظر مشورتی در ۸ جولای ۱۹۹۶ بر این امر تصریح نموده و بیان نموده است: «در هیچ یک از حقوق بین‌الملل عرفی و قراردادی ممنوعیت فراگیر و جهانی بر تهدید و یا بکارگیری سلاح اتمی وجود ندارد.»^۲ از طرف دیگر، گروه کشورهای فاقد سلاح اتمی معتقد بودند، نمی‌توان بین سلاح‌های اتمی و سمی و شیمیایی تفاوت گذارد. این امر باعث می‌شود که استفاده از سلاح اتمی که سلاح اغنیا است، فاقد ممنوعیت باشد و استفاده از سلاح‌هایی که آثار مخرب کمتر دارد و سلاح فقرا است ممنوع باشد (Cryer & others, 2010: 304). این بحث تا روز پایانی کنفرانس رم ادامه داشت و کنفرانس را در معرض نوعی شکست قرار داده بود. در روز پایانی به دلیل ضیق زمانی و برای جلوگیری از شکست کنفرانس، عبارت سلاح سمی باقی

1. Preparatory Committee on the Establishment of an International Criminal Court
2. Advisory opinion of the ICJ, Legality of Threat or Use of Nuclear Weapon, 8 July 1998.

ماند و سلاح‌های اتمی و شیمیایی حذف شد. لیکن نظری بر مذاکرات آن کنفرانس نشان دهنده آن می‌باشد که کشورهای شرکت کننده به دلیل وجود اجماع جهانی بر ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی هیچ مخالفتی بر شمول اساسنامه نسبت سلاح‌های شیمیایی ابراز نکرده بودند و حذف این سلاح به دلیل مخالفتی بود که با سلاح اتمی صورت گرفت.

با این حال، ضوابطی در حقوق بین‌الملل برای تفسیر معاهدات وجود دارد. به طور کلی ماده (۱) ۳۱ کنوانسیون وین در زمینه حقوق معاهدات ۱۹۶۹ در خصوص تفسیر معاهدات بیان می‌دارد: «هر معاهده باید با حسن نیت و بر اساس معانی عادی و متداولی که به اصطلاحات معاهده در سیاق آنها داده می‌شود، و در پرتو موضوع و هدف معاهده تفسیر شود.» لذا بر طبق این ماده سه روش تفسیر در حقوق بین‌الملل وجود دارد: «اول. روش عینی: تفسیر بر اساس معمول و متداول واژه‌های معاهده؛ دوم. روش ذهنی: تفسیر بر اساس قصد و نیت طرف‌های معاهده؛ سوم. روش غایی: تفسیر بر اساس هدف و موضوع معاهده» (والاس، ۱۳۹۰: ۳۲۳).

در موضوع حاضر، از آن جا که اساسنامه دیوان کیفری بین‌الملل یک معاهده بین‌المللی محسوب می‌شود، جهت تبیین ورود و یا خروج سلاح شیمیایی در آن می‌توان به این روشها دست یازید.

روش تفسیر بر اساس معنای معمول که مهمترین روش تفسیر معاهدات بین‌المللی محسوب می‌شود، با مراجعه به متن معاهده و تفسیر لفظ در معنای معمول صورت می‌گیرد. از طرفی، در رویکرد تفسیر نظامند کل حقوق در حکم واحد تلقی شده و لذا امکان بهره برداری از تعاریفی که در یک سند از امری شده در اسناد دیگر نیز وجود دارد. به عبارت دیگر در این تفسیر هدف «روشن کردن بخشی از متن توسط بخش دیگر آن یا توسط متن های دیگر است» (تروپه، ۱۳۹۰: ۱۳۴). بر این اساس برای تعیین آن که آیا دیوان صلاحیت رسیدگی به بهره‌وری از سلاح شیمیایی را دارد یا خیر سه سند باید مورد ملاحظه قرار گیرد: نخست اساسنامه دیوان کیفری بین‌الملل؛ دوم، سند عناصر اختصاصی جرایم دیوان و سوم، کنوانسیون منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی ۱۹۹۴.

نخستین سند یعنی اساسنامه دیوان در ماده (ج) (۲) ۸ اساسنامه دو بند ۱۷ و ۱۸ به ترتیب «بکار بردن سم یا سلاح‌های سمی» و «استفاده از گاز خفه‌کننده، سمی یا سایر گازها و تمامی سیالات مواد یا ابزارهای مشابه» ممنوع نموده است. سند دوم، یعنی سند عناصر اختصاصی جرایم این دو بند را تفسیر نموده است. علت استفاده از متن سند عناصر اختصاصی جرایم آن است که اولاً طبق ماده ۹ اصلاحی ۲۰۱۰ اساسنامه «سند عناصر اختصاصی جرم به دیوان در تفسیر و اعمال مواد ۶، ۷، ۸ و ۸ مکرر یاری می‌دهد.» بنابراین،

این سند در تشریح مواد اساسنامه و جهت تبیین این مواد می‌باشد. ثانیاً، طبق بند ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ «هرگونه توافق بعدی که در مورد تفسیر معاهده و یا اعمال مقررات آن میان طرف‌های معاهده حاصل شده باشد»، می‌تواند در تفسیر معاهده مورد استفاده قرار گیرد. ثالثاً ماده ۲۱ اساسنامه نیز اجازه بهره‌بری از سایر اسناد را اعطا کرده است. بر این اساس، ماده ۸ سند عناصر اختصاصی جرایم در تفسیر بند ۱۷ بیان داشته است: «۱- مرتکب مواد یا اسلحه را بکار برده باشد که در اثر بکار گیری آن موادی متصاعد شود. ۲- مواد متصاعد شده باید به گونه‌ای بوده باشد که خواص مسموم کننده آن به طور معمول موجب مرگ یا صدمات شدید به سلامتی اشخاص شود.» همچنین این سند در تفسیر بند ۱۸ نیز بیان داشته است: «۱- مرتکب باید گاز یا سایر مواد یا ابزارهای مشابه را به کار برده باشد ۲- گاز یا مواد یا ابزار به کار گرفته شده به گونه‌ای بوده باشد که خواص خفه یا مسموم کننده آن به طور معمول موجب مرگ یا صدمات شدید به سلامت اشخاص شود.»

سند سوم، یعنی کنوانسیون منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی ۱۹۹۴ در بند «الف» و «ب» ماده ۲ سلاح شیمیایی را به صراحت «مواد شیمیایی سمی» و «مهمات و ادواتی که اختصاصاً جهت کشتار یا دیگر صدمات از طریق خواص سمی مواد شیمیایی سمی» مورد استفاده می‌گیرد، تعریف نموده است. بنابراین، می‌توان اینگونه برداشت نمود که سلاح شیمیایی یکی از انواع سلاح‌های سمی از نظر حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند که با خواص تصاعد در هوا عمل می‌کنند فلذا، با توجه به این تعریف، ماهیت و ذات سلاح شیمیایی امری جز مواد سمی نمی‌باشد و این دقیقاً همان امری است که بندهای ۱۷ و ۱۸ ماده (ج) (۲) ۸ اساسنامه آن را منع نموده و به عنوان جرم جنگی تعیین کرده است. بر این اساس، با توجه به تفسیر عبارات اساسنامه و عناصر اختصاصی جرایم و با عنایت به سیاق عبارات به کار رفته در دو سند مذکور، می‌توان معتقد بود که سلاح‌های شیمیایی به عنوان مصداقی از سلاح‌های سمی بوده و لذا دیوان کیفری بین‌الملل صلاحیت رسیدگی به جرم استفاده از این سلاح را دارا می‌باشد.

از طرف دیگر، تفسیر غایی اساسنامه این برداشت را تایید می‌نماید. طبق این روش، عبارات باید به گونه‌ای عبارات تفسیر گردند که با هدف معاهده هماهنگ باشد. چنانکه دیوان بین‌الملل دادگستری در رأی شماره ۲ درباره صلاحیت سازمان بین‌المللی کار بیان داشت: «تمامی معاهده باید قطعاً مورد مطالعه قرار گیرد و نمی‌توان معنای آن را بر اساس

چند جمله پراکنده و جدا از محتوی و فحوای معاهده تعیین نمود در غیر این صورت معاهده به اشکال گوناگون تفسیر خواهد شد.» (موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۷۳) به عبارت دیگر معاهده یک کل واحد است که با در نظر گرفتن اهداف اصلی باید به تفسیر آن پرداخت. اساسنامه دیوان کیفری بین‌الملل نیز در ضمن مواد مختلف و مقدمه، هدف این سند را بیان داشته است. طبق دیباچه اساسنامه رم، «شدیدترین جنایات‌های موجب نگرانی جامعه بین‌الملل به عنوان یک کل نباید بی مجازات باقی بماند» و دیوان «مصمم است» به بلا مجازات ماندن مرتکبین این جنایات‌ها پایان دهد. همچنین طبق ماده ۵ اساسنامه این دیوان به «شدیدترین جنایات‌های مورد دغدغه مجموعه جامعه بین‌الملل» رسیدگی می‌کند. این عبارات هدف کلی اساسنامه را به عنوان بی‌کیفر نماندن مرتکبین جرایم بین‌المللی تبیین نموده است که مواد مختلف باید در این راستا تفسیر گردند. لذا با این نگرش، عبارت «سلاح‌های سمی»، باید به گونه‌ای تفسیر شود که مجرمین بین‌المللی بی‌کیفر نمانند و در این گونه تفسیر نیز سلاح شیمیایی وارد در صلاحیت دیوان کیفری بین‌الملل خواهد شد.

لیکن با این تفسیر ممکن است دو شبهه مطرح شود. نخست، در حقوق کیفری اصل بر تفسیر مضیق می‌باشد و در موارد شبهه باید مورد شبهه را از دامنه موارد جرم انگاری، خارج نمود. این امر در ماده ۲۲(۲) اساسنامه رم نیز ذکر شده و با تأکید بر تفسیر مضیق، قیاس را ممنوع دانسته است. بر این اساس در مورد شبهه در ورود سلاح شیمیایی در ماده ۸، به جهت شبهه در ورود و یا خروج آن از قدر متیقن، باید نظر به عدم جرم بودن استفاده از این سلاح داشت. این برداشت نمی‌تواند صحیح باشد. زیرا تفسیر مضیق زمانی در حقوق کیفری اعمال می‌شود که ورود یک امر در مفهوم ماده با توجه به عبارات بکار رفته مبهم باشد. به عبارت دیگر در جایی که لفظی به کار رفته است، ورود مصادیق آن لفظ در شمول ماده نقض تفسیر مضیق نمی‌باشد. در بیان دیگر می‌توان گفت، شناخت مصادیق یک لفظ، مخالف تفسیر مضیق و منع توسل به قیاس نمی‌باشد (کسسه، ۱۳۷۸: ۱۸۸). بر این اساس هنگامی که اساسنامه استفاده از سلاح سمی را جرم انگاری نموده است و کنوانسیون ۱۹۹۲ نیز سلاح شیمیایی را نوعی سلاح سمی معرفی کرده است، دریافت می‌شود که سلاح شیمیایی مصداقی از سلاح سمی بوده و این امر، بلاشبهه نقض تفسیر مضیق محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر، آن چه را حقوقدانان بین‌المللی در زمینه خروج مصداق یابی از قیاس مذکور در ماده ۲۲ اساسنامه بیان داشته‌اند را می‌توان این گونه بیان داشت که نظر آنان بر قیاس اصولی بوده که در آن حکم مصرح در امری بر موضوع مسکوت‌الحکم سرایت داده می‌شود و در واقع حکم مقیس علیه بر مقیس بار می‌شود. لیکن در مصداق یابی نوعی قیاس

منطقی استثنایی می‌باشد که در مقدمات آن به نتیجه و یا نقیض آن تصریح می‌شود. در موضوع حاضر این قیاس این گونه شکل می‌گیرد:

مقدمه اول، اگر سلاح شیمیایی نوعی سلاح سمی باشد، دیوان کیفری بین‌الملل صلاحیت رسیدگی دارد.

مقدمه دوم، اما سلاح شیمیایی نوعی سلاح سمی است.

نتیجه، پس دیوان صلاحیت رسیدگی به سلاح شیمیایی را دارد.

مقدمه اول که نوعی جمله شرطی است، صحت و سقمی ندارد. در این نوع قیاس تمرکز بر صحت و سقم جمله دوم است. که بنا بر آنچه پیشتر بیان شد و نظر مختار در این مقاله می‌باشد، این مقدمه اثبات شده و صحیح می‌باشد؛ لذا، نتیجه حاصل می‌شود. بنابراین از آن جا که این نوع قیاس، قیاس اصولی ممنوعه نمی‌باشد و تنها مصداقی را که در حکم کلی موجود بوده را می‌یابد، مانعی در حقوق جزا ندارد. به همین جهت است که شرط صحت قیاس منطقی استثنایی، کلی بودن یک مقدمه و موجه بودن آن است تا مقدمه جزئی به بتواند در داخل مقدمه کلی قرار گرفته و نتیجه حاصل شود.

شبهه دوم در خصوص اسناد مقدماتی دیوان می‌باشد. چنانکه پیش تر نیز بیان شد اسناد پیش نویس اساسنامه تصریح به سلاح شیمیایی نموده بودند، لیکن در متن نهایی اساسنامه این سلاح حذف شد. این امر ممکن است این تفکر را ایجاد نماید که منعقدان اساسنامه قصد خروج این سلاح را از شمار سلاح‌های ممنوعه داشته‌اند. در پاسخ می‌توان بیان داشت، استناد به اسناد و کارهای مقدماتی یک معاهده از وسایل و شیوه‌های مکمل در تفسیر می‌باشد و طبق رأی دیوان بین‌الملل دادگستری هنگامی که متن معاهده روشن باشد، توسل به ابزارهای تکمیلی تفسیر نمی‌توان نمود» (والاس، پیشین: ۳۲۵). به عبارت دیگر هنگامی که با اصول کلی مذکور بند ۱ ماده ۳۲ کنوانسیون وین بتوان به تفسیر معقول و هماهنگ با غایت یک سند رسید، دیگر به روش‌های تکمیلی تفسیر استناد نخواهد شد. بر این اساس، با توجه به روشن شدن سلاح سمی طبق روش عینی و ذهنی و غایی در قضیه حاضر موردی برای استناد به اسناد مقدماتی وجود ندارد. تفاوت سلاح شیمیایی و اتمی در این مورد آن است که اگرچه هر دو در پیش نویس تصریح شده و در سند نهایی حذف شدند لیکن به دلیل آنکه سلاح اتمی را - به عکس سلاح شیمیایی - نمی‌توان مصداقی از سلاح سمی دانست، نمی‌توان آن را در زمره جرایم ماده ۸ اساسنامه وارد نمود. از طرفی، می‌توان این گونه نیز استدلال نمود که با توجه به شکل‌گیری عرف جهانی در زمینه ممنوعیت بهره‌وری از سلاح شیمیایی، حذف این سلاح و باقی ماندن سلاح سمس می‌تواند

قرینه‌ای بر آن باشد که کنفرانس رم نظر بر عام بودن سلاح سمی به گونه‌ای داشته است که سلاح شیمیایی را نیز دربرگیرد.

لذا، با توجه به تمامی موارد بیان شده، رفتار استفاده از سلاح شیمیایی در زمره رفتارهای ماده ۸ اساسنامه رم بوده و دیوان صلاحیت رسیدگی به آن را دارا می‌باشد. با این حال، مورد دیگر که نیازمند بررسی می‌باشد آن است که آیا با توجه به ماهیت مخاصمه مسلحانه، استفاده از سلاح شیمیایی در قلمرو ماده ۸ اساسنامه قرار خواهد گرفت.

۲. به کار گیری سلاح سمی در نزاع مسلحانه

اساسنامه رم به پیروی از کنوانسیون های ژنو جرایم جنگی را بر پایه آنکه در خلال نزاع مسلحانه داخلی و یا بین‌المللی رخ دهد، بر دو قسم دانسته است. بندهای «الف» و «ب» ماده ۸ به احصای رفتارهای مجرمانه در خلال نزاع مسلحانه بین‌المللی پرداخته و بندهای «ج» و «ه» به جرایم جنگی در نزاع‌های مسلحانه داخلی اختصاص یافته است. درگیری مسلحانه زمانی محقق می‌شود که «توسل به نیروهای مسلح بین دولت‌ها یا درگیری مسلحانه طولانی مدت بین مقامات رسمی و گروه‌های سازمان یافته یا بین این گروه‌ها»^۱ صورت گیرد. با این حال، صرف احراز درگیری مسلحانه کافی نمی‌باشد و تمایز میان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی به جهت آثار، اهمیت بسیار دارد. برای مثال شمار رفتارهای مجرمانه در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی بسیار کمتر از درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی است و حقوق بشردوستانه ناظر به درگیری‌های بین‌المللی «پیکره حقوقی جامع‌تری را نسبت به حقوق داخلی شامل می‌شود و در نتیجه حمایت کامل‌تری از قربانیان آن مخاصمه را تضمین خواهد کرد» (ممتاز و رنجیریان، ۱۳۸۷: ۹۶). به طور کلی معیار تشخیص درگیری مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی در طول حیات حقوق بین‌الملل تغییراتی داشته است. قسمت تغییرناپذیر و اجماعی مخاصمات مسلحانه آن است که اگر نزاع بین دو دولت^۲ صورت گیرد، این نزاع بین‌المللی محسوب می‌شود. لیکن، در زمینه مخاصمه مسلحانه داخلی معیارهای حقوق بین‌الملل به این وضوح نمی‌باشد. طبق ماده یک پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۱۹۷۷، دو شرط برای حکومت آن پروتکل در مخاصمه داخلی وجود دارد: نخست آنکه نیروهای مخالف بر بخشی از سرزمین مسلط شده باشند و دوم، این نیروها توان اجرای پروتکل را داشته باشند.

1 . Prosecutor v. Tadic, case No.IT-94-1-AR72, decision on the defence motion for interlocutory appeal on jurisdiction, 2 October 1995, para. 70.

2. States

در صورت فقد هریک از این دو شرط نزاع از حکومت پروتکل دوم الحاقی خارج می‌شود. با این حال، نواقص این شروط در کنترل جرایم و وضعیت‌ها مشخص بود. بسیاری از موارد نیروهای متخاصم کنترلی بر سرزمین نداشته و یا قادر به اجرای پروتکل نبودند ولیکن نزاع با عواقب وخیم آن در حال روی دادن بود. به همین دلیل، دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در رای خود در قضیه تادیچ بیان داشت که هرگاه مخاصم‌های طولانی مدت بین نیروهای حکومت و گروه‌های سازمان یافته مسلح یا بین این گروه‌ها در قلمرو دولت صورت گیرد، این نزاع داخلی محسوب می‌شود (همان: ۸-۸۷). مجدداً شعبه تجدیدنظر همین دادگاه در رای ۱۵ ژوئای ۱۹۹۵ در خصوص دعوی تادیچ بیان داشت که در صورت کنترل کلی^۱ گروه متخاصم توسط یک دولت این نزاع، در زمره درگیری‌های مسلحانه بین-المللی محسوب می‌شود^۲ که در حقوق بین‌الملل از آن به درگیری مسلحانه بین‌المللی شده^۳ یاد می‌نمایند. بنابراین موارد و طبق ماده (و)(۲) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، نزاع مسلحانه طولانی مدت بین دو گروه سازمان یافته و یا دولت و یک گروه سازمان یافته در صورتی که آن گروه کنترل کلی از جانب دولت یا دول دیگر نشود، نزاع داخلی محسوب می‌شود.

تا پیش از سال ۲۰۱۰ و برگزاری کنفرانس بازنگری کامپالا ماده (ب)(۲) اساسنامه در بندهای ۱۷ و ۱۸ به صراحت «به‌کار بردن سم و یا سلاح‌های سمی» و «استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی یا سایر گازها و تمامی سیالات مواد یا ابزارهای مشابه» را در نزاع‌های بین‌المللی جرم تلقی نموده بود. مفهوم این ماده آن بود که در صورت استفاده از سم، مواد سمی، گازهای خفه‌کننده و سایر موارد مشابه در نزاع‌های مسلحانه داخلی این امر جرم نبوده است. با این حال، به دلیل شدت این جرم و نابردباری جامعه بین‌الملل در قبال استفاده از سلاح‌های سمی حتی بر ضد اتباع خود در قلمرو داخلی، در سال ۲۰۱۰ کنفرانس بازنگری بندی به ماده (هـ)(۲) الحاق نمود که در آن مانند بندهای ۱۷ و ۱۸ ماده (ب)(۲) اساسنامه «استفاده از سم و یا سلاح‌های سمی» و «استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی یا سایر گازها و تمامی سیالات مواد یا ابزارهای مشابه» را جرم انگاری نمود. بنابراین، در شرایط فعلی استفاده از سلاح شیمیایی در هرگونه نزاع مسلحانه اعم از داخلی و یا بین‌المللی جرم می‌باشد.

۱. Overall control این کنترل با کنترل موثر (effective control) که در برخی آرای دیوان بین‌المللی دادگستری بیان شده، متفاوت می‌باشد.

2. Tadic Appeal. Case No. IT-94-1-A, 15 July 1999, para. 131.

3. Internationalized conflict

نتیجه‌گیری

استفاده از سلاح شیمیایی یکی از مواردی است که سابقه دیرینه در تاریخ دارد و با این حال دارای تقبیح شدید و طولانی مدت نیز می‌باشد. استفاده گسترده از این سلاح در جنگ جهانی اول تا امروز، جامعه جهانی را بر آن داشت تا به تکاپو برای تصویب اسنادی جهت منع استفاده از آن بپردازد. آخرین تلاش در این مسیر تصویب کنوانسیون موسوم به کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی ۱۹۹۳ بود. با این حال، در کنفرانس رم هنگام بحث از جرایم جنگی، سلاح شیمیایی از پیش نویس اساسنامه و ماده ۸ آن، حذف گردید. به همین جهت بر این عقیده شدند که با توجه به حذف جرم انگاری سلاح شیمیایی در کنفرانس رم، دیوان کیفری بین‌الملل صلاحیت رسیدگی به بهره‌وری از بمب شیمیایی را دارا نمی‌باشد. به رغم این حذف، اساسنامه بهره‌گیری از سلاح‌های سمی را جرم انگاری نموده است. به همین جهت، با توجه به متن کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و تعریف این سلاح‌ها به نظر می‌رسد که این بمب شیمیایی در دید تدوین کنندگان کنوانسیون مذکور، مصداقی از سلاح سمی می‌باشد. این امر با توجه به کارکرد این سلاح‌ها که به صورت متصاعد نمودن سم‌های شیمیایی می‌باشد، نیز تایید می‌گردد. بنابراین، می‌توان با توجه به تعریف کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی از این سلاح، رابطه بین سلاح شیمیایی و سمی را عموم و خصوص مطلق دانست که هر سلاح شیمیایی نوعی سلاح سمی محسوب می‌شود. لذا، با توجه به مصداق یابی مذکور، استفاده از بمب شیمیایی در صلاحیت دیوان کیفری بین‌الملل قرار می‌گیرد. از طرفی تفسیر غایی اساسنامه رم و با توجه به سیاق کلی آن می‌توان بر این امر بود که دیوان کیفری بین‌الملل پیش شرط لازم برای اعمال صلاحیت نسبت به استفاده از این سلاح‌ها را دارا می‌باشد. دلیل دیگر نیز آن است که در زمان امکان توسل به شیوه‌های اصلی تفسیر مانند تفسیر لفظی و غایی، توسل به شیوه‌های کمکی مانند پیش نویس موجبی ندارد. از طرفی، با توجه به الحاق بندهایی به ماده ۸ در کنفرانس بازنگری سال ۲۰۱۰، اکنون دیوان صلاحیت رسیدگی به استفاده از بمب شیمیایی و سلاح سمی را فارغ از آنکه در نزاع مسلحانه داخلی و یا بین‌المللی استفاده شود، دارا می‌باشد. به همین جهت در صورت ارجاع وضعیتی که در آن از بمب شیمیایی بهره برده شده است، دیوان می‌تواند وارد تحقیقات و رسیدگی شده و از این جهت مانعی بر راه دیوان وجود نخواهد داشت.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲)، «شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیوان کیفری بین المللی»، **دایره المعارف علوم جنایی** (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، چاپ اول، تهران: میزان، صص ۵۹۳-۵۸۵.
۲. اردلان، اسعد (۱۳۸۹)، «سلاح شیمیایی و حقوق بین الملل»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و چهارم، شماره ۴، صص ۱۰۱۴-۹۹۱.
۳. تروپه، میشل (۱۳۹۰)، **فلسفه حقوق**، ترجمه مرتضی کلانتریان، چاپ دوم، تهران: آگه.
۴. فن گلان، گرهارد (۱۳۸۹)، **درآمدی بر حقوق بین الملل عمومی**، ترجمه محمد حسین حافظیان، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: میزان.
۵. کسسه، آنتونیو (۱۳۸۸)، **حقوق کیفری بین المللی**، ترجمه حسین پیران، اردشیر امیر ارجمند و زهرا موسوی، چاپ اول، تهران: نشر جنگل.
۶. لاک، جان (۱۳۸۸)، **رساله‌ای درباره حکومت**، ترجمه حمید عضدانلو، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
۷. ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیر حسین (۱۳۸۷)، **حقوق بین الملل بشردوستانه** (مخاصمات مسلحانه داخلی)، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
۸. موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۹)، **حقوق معاهدات بین الملل**، چاپ چهارم، تهران: میزان.
۹. والاس، ربکا (۱۳۹۰)، **حقوق بین الملل**، ترجمه سید قاسم زمانو مهرناز بهراملو، چاپ سوم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۰. هنکرتز، ژان ماری؛ دوسوالدیک، لوئیس (۱۳۷۸)، **حقوق بین المللی بشردوستانه**، ترجمه دفتر امور بین الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین المللی صلیب سرخ، جلد اول (قواعد)، چاپ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

ب. خارجی:

1. Abtahi, hirad (2005); "The Islamic Republic of Iran and the ICC", **Journal of International Criminal Justice**, vol 3.
2. Cryer, R. & others (2010); **An Introduction to International Criminal Law and Procedure**, Cambridge University Press.
3. Dolzer, R. & others (Eds) (1982); **Encyclopedia of public international law**, North-Holland Publishing Company.
4. Fleck, Dieter (ed) (2009); **The Handbook of International Humanitarian Law**, 2nded, Oxford University Press.
5. Haye, Eva La (2008); **War Crimes in International Armed Conflict**, Cambridge University Press.

6. Henckaerts, J. M, & Doswald-Beck, L.(Eds)(2005), **Customary International Humanitarian Law**, Vol 1 & 2, Cambridge University Press.
7. McGol, D; Rowe, R & Donnelly, E.(2004); **The Permanent International Criminal Court(Legal and Policy issues)**, Hart Publishing
8. Robison, J.P.(1971); **The Problem of Chemical and biological Warfare**, Vol. 1, Stockholm International Peace Research Institute, Humanities Press..
9. Schabas, William A.(2011); **An Introduction to the International Criminal Court**, 4thed, Cambridge University Press.
10. Shelton, Dinah (2005); **Encyclopedia of Genocide and Crimes against Humanity**, Vol. 2, Thomson.
11. Turtle Schulte, N.(ed.) (1997); **Dismantlement and Destruction of Chemical, Nuclear and Conventional Weapons**, Springer.
12. <http://www.un.org/News/Press/docs/2013/sc11135.doc.htm>